

مركز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

تسنیم
خبرگزاری
Tasnim
News Agency

یک نگاه



مروری بر برخی از
ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی

شهید آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای

قدس الله سره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر برخی از

ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی

شهید آیت‌الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای قدس الله سره



مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم

عنوان تک نگاشت:

مروری بر برخی از

ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی

شهید آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای قدس الله سره

تاریخ گزارش:

تیر ۱۴۰۵



آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای مدظله:

صحبت از مردی است که آنقدر که مشهور بود، شناخته نشد.

امام شهیدمان در تجلیل از امام و مقتدای خود فرموده بود: «این انقلاب بی نام خمینی (ره) در هیچ جای جهان شناخته شده نیست.» حق این است که دوام، بقا و پیشروندگی انقلابی که خمینی کبیر بنیان نهاد جز با دست یداللهی خامنه‌ای شهید ممکن نبود. به راستی او «شناسنامه پیشرفت انقلاب اسلامی است.»

او هدیه الهی بود که خیلی زود توانست آتش فراق خمینی کبیر را در دل‌ها به شعله‌هایی پر فروغ از امید و انگیزه برای ادامه راهش تبدیل کند و آنها را به سمت قله‌های عزت و عظمت به حرکت و تکاپو وادارد. تلاش سترگ او بود که توانست فرهنگ و روحیه انقلابی را در تمام زوایای پیدا و پنهان نظام اسلامی تزریق نماید و زمینه‌ساز رویش‌هایی عزت‌آفرین برای میهن اسلامی در عرصه‌های مختلف شود.

او مصداق بارز «أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» بود که با بصیرت دینی و استقامت ایمانی‌اش توانست انقلاب اسلامی را در طول بیش از سه دهه رهبری خویش از گردنه‌های سخت و دشوار بدون هر گونه واپس‌گرایی، ارتجاع یا عدول از

ارزش‌ها، آرمان‌ها و شعارهای اصلی انقلاب، عبور دهد و دشمنان انقلاب اسلامی را مقهور اراده پولادین خود سازد.

او این راه را با صیانت از مکتب امام خمینی (ره) طی کرد و امروز ما نیازمندیم برای ادامه این راه در راستای پیشرفت و پیشروندگی انقلاب اسلامی از مکتب خامنه‌ای شهید صیانت کنیم و این مأموریت مهم مستلزم شناخت دقیق ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی آن شهید والامقام است. بی‌شک توجه به ابعاد شخصیتی و شناسایی اصول و خطوط کلی مواضع و دیدگاه‌های آن امام شهید ما را در پاسخ‌گویی به مسائلی که امروز انقلاب اسلامی با آن روبرو است، توانمند خواهد ساخت و حرکت به سمت افق‌های روشن فردا را سرعت خواهد بخشید. بنابراین ما، هم برای امروز و هم برای فردای روشن انقلاب اسلامی همچنان محتاج درس‌آموزی از مکتب امام شهیدمان هستیم.

در این گزارش کوشش می‌کنیم به برخی از این ویژگی‌ها اشاره کنیم. با این توضیح که هر یک از این ویژگی‌ها نیازمند شرح و تفصیل است که لازمه آن، احصای دقیق ابعاد عمیق‌تر آنها و در مرحله بعد جهاد تبیین برای تفسیر آنها است.

برخی از ویژگی‌ها و ابعاد شخصیت رهبر شهید آیت‌الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه

۱- امام شهید دارای تفکر منظومه‌ای هستند

در این منظومه همه اجزا و مولفه‌ها در ارتباط با یکدیگر معنا می‌یابند و هیچ مفهومی با مفهوم دیگر در تضاد قرار نمی‌گیرد. برخی از خصوصیات منظومه فکری امام شهید را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

« معرفتی است و ریشه در معارف اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله و سلم دارد.

« قرآنی است. استفاده هنرمندانه ایشان از آیات قرآن برای فهم درست مسائل و تبیین موضوعات اساسی انقلاب اسلامی در حقیقت یک تفسیر عملی از قرآن است.

« تاریخی نیست. با گذر زمان ارزش و اهمیت آن از بین نرفته و نمی‌رود و کهنه نمی‌شود. (برای همین است که می‌توان از بیانات گذشته ایشان برای نیاز امروز استفاده کرد).

« عبرت‌آموز است. اگرچه منظومه فکری ایشان تاریخی نیست اما به دلیل احاطه و تسلط ایشان بر تاریخ اسلام، ایران و جهان، سرشار از عبرت‌گیری و عبرت‌آموزی از تاریخ است.

« انتزاعی نیست. مربوط به مسائل اساسی امروز جامعه، ملت ایران و امت اسلامی و بلکه انسان معاصر حقیقت‌اندیش در هر کجای عالم است.

« نوآورانه است. تقلیدی نیست. مبتنی بر قدرت ادبیات‌پردازی و خلق ادبیات جدید برای فهم بهتر مسائل است.

۲- استحکام‌بخشی به نظریه «ولایت مطلقه فقیه» در امتداد تلاش‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی

واقعیت آن است که اختیارات و وظایف ولی فقیه در قانون اساسی و وظایفی که از نظر شرعی ولی فقیه بر عهده دارد نیازمند ساختاری است که امکان انجام

آنها را برای ولی فقیه فراهم و تسهیل نماید. در دوره رهبری امام شهید «ولایت فقیه» با رعایت همه ملاحظات نظریه پرداز اولیه آن، با ساختارمند شدن و حرکت از «بیت» به «نهاد» امکان بیشتری برای اعمال ولایت قانونی و شرعی پیدا کرد.

این نکته حائز اهمیت است که در زمان امام خمینی (ره) شاگردان و یاران ایشان و خصوصاً یادگار گرامی و یار آن حضرت یعنی حاج سید احمد خمینی تلاش می‌کردند خلأ نهادی بودن ولایت فقیه را جبران کنند اما این امر در دوران رهبری امام شهید به شکل جدی‌تر و از طریق ساختارمندتر کردن نظریه ولایت مطلقه فقیه، مورد توجه قرار گرفت.

در دوران رهبری امام شهید با معنابخشی به اجزا و ارکان دفتر رهبری بستر اعمال ولایت از «بیت» به «نهاد» تبدیل شد و به عنوان بازوی رهبری و تحت نظارت ایشان ایفای نقش نمود.

۳- ایرانی‌ترین رهبر

نسبت امام شهید با «ایران» نسبتی قویم و مبتنی بر فهم درست از تاریخ و تمدن ایرانی و تأثیر و تأثر آن از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله دارد. برخی از ابعاد این ویژگی مهم قائد شهید را می‌توان چنین برشمرد:

«دارای ایده‌های روشن در باره «ایران»: «ایران قوی» راهبرد صیانت از ایران و اعتلای آن در اندیشه امام شهید است.

«در هم تنیده ساختن «ملی‌گرایی ایرانی» با «اصول‌گرایی شیعی» و همسازی آنها با یکدیگر در ساخت «ایران قوی»

«ایران دوستی و دفاع از تمامیت ارضی ایران با ایجاد توان بازدارندگی برای صیانت از ایران

«هویت بخشی به اقوام و مذاهب و به رسمیت شناختن تنوع و تکثر آنها حول ایده ایران و وحدت ملی

«هویت بخشی به تمام استان‌های کشور با برجسته سازی افتخارات و

ارزش‌های تاریخی، ملی، انقلابی و... باتبیین نقش هریک از آنها در حفظ و اعتلای ایران

◀ پادداشت زبان فارسی به عنوان زبان راستین انقلاب اسلامی و زبان علم در افق آینده

۴- ادامه انسان ۲۵۰ ساله

او مبدع نظریه انسان ۲۵۰ ساله بود و توانست در باره فهم درست زندگی ائمه علیهم‌السلام ادراک سازی کند. به راستی او همچون سلف صالحش خمینی کبیر، امتداد انسان ۲۵۰ ساله بود چرا که تا لحظه شهادت از دو هدف کلی در زندگی ائمه علیهم‌السلام دست نکشید و راه آنان را ادامه داد. این دو هدف عبارت بودند از جهاد و مبارزه برای:

◀ تبیین دین و تطبیق آن با نیازهای جامعه

◀ رهبری سیاسی برای حاکمیت بخشی به توحید در زندگی فردی و اجتماعی

ایشان در کتابی که از مجموع سخنرانی‌های ایشان در ماه محرم سال ۱۳۵۴ تحت عنوان «هم‌زمان حسین علیه السلام» جمع‌آوری و مدون شده است در تشریح این دو هدف که باید برای تحقق آن جهاد و مبارزه کرد می‌فرمایند: «امامت برای این لازم است که امام دو کار انجام دهد: یکی اینکه مکتب دین را که به وسیله ی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از طرف خداوند به انسان‌ها ارائه شده و در سطح اجتماع پیاده شده، تفسیر کند، در اذهان مردم جامعه آن را پخته کند، با موارد و مصادیق تطبیق کند و به طور کلی این مکتب را برای آیندگان تشریح کند...»

شغل دیگری که امام دارد، این است که باید راه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را ادامه دهد. یعنی چه؟ یعنی پیغمبر جامعه‌ای را به وجود می‌آورد و این جامعه را بر مبنای اصول اسلامی بنا می‌کند و حکومت این جامعه را در دست می‌گیرد و مثل قافله سالار دلسوز از راه آگهی، این جامعه را به سوی هدف انسانیت _ یعنی به سوی رشد، تکامل، تعالی، ترقی مادی و معنوی _ به پیش می‌راند. بعد که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت _ که او هم

مثل همه‌ی مردم، جاودان نیست و می‌میرد _ باید دنبال سرِ او امامی بیاید و مردم را به پیش برند و رشد بدهد و جامعه‌ی اسلامی را به سوی تکامل و تعالی بکشانند و سوق دهد.... در اینجا هم وظیفه‌ی امام این است که حداکثر کوشش و تلاش خود را به کار ببرد؛ آنچه می‌تواند، در راه پیشبرد این مسئولیت و این هدف و خواسته‌ی خود انجام دهد؛ شاید بتواند زمام امور اسلامی را به دست بگیرد و قدرت را قبضه کند و در رأس جامعه‌ی اسلامی قرار بگیرد و جامعه‌ی اسلامی را آنچنان که خدا مقّر کرده است، به پیش برند... امام دو شغل دارد: یکی مربوط به مکتب، یکی مربوط به جامعه. امام دو بال دارد که با این دو بال در آفاق محیط امامت پرواز می‌کند؛ یکی مربوط به فکر، یکی مربوط به عمل؛ یکی مربوط به ذهن، یکی مربوط به واقعیت؛ یکی این است که قرآن را در دست بگیرد، دیگر این است که زمام جامعه‌ی اسلامی را قبضه کند.

این دو کار به عهده‌ی امام است. اگر يك وقتی دشمن‌های دین، دشمن‌های انسانیت، قدرت‌های ظالم و آن کسانی که می‌خواهند همه چیز را از دست اهلش بگیرند و به خود اختصاص دهند، معارضه کردند، مخالفت کردند و گذاشتند که امام این دو وظیفه‌ی خود را انجام دهد، امام باید بی‌امان تلاش کند، مبارزه کند، کوشش کند تا بلکه بتواند این دو منصب الهی را باز قبضه کند و راهی را که خدای متعال برای او معین کرده است، او ادامه دهد.... ائمه‌ی یازده‌گانه‌ی ما (علیهم السّلام)، همه در حال پیکار و در حال مبارزه و در حال جهاد از دنیا رفتند.»

تاریخ گواهی خواهد داد که امام شهیدمان با تکیه به این معرفت دینی و این درک صحیح از زندگانی امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین لحظه لحظه حیاتش مصروف تحقق این دو هدف شد و همان گونه که خود در همین کتاب هم‌زمان حسین علیه السلام به آن اشاره کرده است مهرقبولی این مجاهدت را با شهادت در کارنامه پربرکتش حیاتش حک نمود.

۵- معنابخشی به «اسلام سیاسی» و تولید «نظریه نظام انقلابی»

در دوران رهبری ایشان، اسلام سیاسی در ایران از مرحله شور انقلابی و صرفاً نفی نظم پیشین، به بلوغ عقلانیت نهادی و مهندسی قدرت عبور کرد و

ضمن صیانت از روح آرمان خواهی، به معماری منسجمی برای اداره جامعه مبدل شد.

این آن حقیقتی است که ایشان در بیانیه گام دوم مرقوم داشته‌اند: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.»

۶- افق محوری، آینده‌نگری و چشم‌انداز داشتن

ایشان نماد و نمود حرکت انقلاب اسلامی به سمت قله‌ها بودند. آنچه برای این حرکت در ایشان انگیزه ایجاد می‌کرد دورنمای افق و آینده مطلوبی بود که در چشم‌انداز خود تصویر روشنی از آن داشتند. ایده تحقق «تمدن نوین اسلامی» ریشه در این ویژگی شخصیتی ایشان دارد.

ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اوج این آینده‌نگری را به نمایش گذاشته‌اند و ساخت تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی را به عنوان حد اعلای آینده مطلوب معرفی کرده و همگان و خصوصا جوانان را برای حراست از انقلاب اسلامی و حرکت پرانگیزه برای تحقق این آرمان بلند فراخوانده‌اند.

۷- امیدواری، بن‌بست شکنی، انسدادزدایی در عرصه فکر و عمل

ایشان در طول مسیر مبارزه و خصوصا در دوران رهبری هرگز مقهور یأس و ناامیدی نشده بلکه وجودشان نماد «امید» در جامعه بود. امیدی که بر خلاف ناامیدی‌ها که بر مبنای «تحلیل و تفسیر واقعیات» بود ریشه در اصل «واقعیات» و نه تفسیر آنها داشت. امیدی آگاهانه و نه کاذب.

به همین دلیل نمی‌گذاشتند خود و یا جامعه در بن‌بست‌های ساختگی و حتی حقیقی گرفتار شوند. برای همین در همه بحران‌ها و دشواری‌ها با بیان سحرآمیز و دم‌مسیحایی خود راه برون رفت از مشکلات را ترسیم و در همگان برای ره‌روی در آن راه و مسیر ایجاد انگیزه می‌کردند.

۸- «استقلال محوری»، در اندیشه و عمل

برجستگی عنصر و مولفه «استقلال» اندیشی و پرهیز از هرگونه وابستگی فکری و عملی به بیگانه یکی از ویژگی‌های ممتاز رهبر شهید است. بسیاری از مواضع ایشان با کلید واژه استقلال معنا و مفهوم می‌یابد. جالب است که استقلال‌اندیشی ایشان آلوده به تعصب کور و لجاجت با بیگانه نشد تا چشم بردستاوردهای بشری ببندند بلکه ویژگی بارز استقلال‌اندیشی ایشان منبعث از یک خودباوری مؤمنانه بود که به ایشان این قدرت را می‌داد که بتواند همه دستاوردها را در هاضمه فکری و فرهنگی خود هضم کند و فواید آنها را اخذ و خود را از آسیب‌های مضرات آن دور بدارد.

ایشان با نگاه مومنانه‌ای که به اسلام سیاسی و انقلابی داشت معتقد بودند باید برای حاکمیت‌بخشی به اسلام هم در بعد سخت‌افزاری و هم در بعد نرم‌افزاری زندگی فردی و اجتماعی تلاش کرد چرا که اسلام ظرفیت‌های کشف شده و کشف نشده‌ای دارد که می‌تواند در هر دو بعد نیاز بشر امروز را پاسخ دهد.

۹- تحقق بخشی به رسالت جهانی انقلاب اسلامی

قائد شهید با بی‌اعتبار ساختن دوگانه ملی‌گرایی-امت‌گرایی تلاش کردند این دو بعد را نه در موازات هم بلکه در امتداد و در طول یکدیگر معنا کنند و در عین اعتقاد به ملیت، رسالت جهانی انقلاب اسلامی و بعد امتی این انقلاب را نیز مورد توجه قرار دهد و در عمل نشان دهند چگونه هر یک از این دو بعد در قوام بخشی به بعد دیگر می‌تواند مؤثر باشد.

ایشان در بیان مهمی اصولاً یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی را همین بعد «جهان‌نگری» معرفی کرده و در توضیح آن فرمودند:

«یکی از نیازهای حتمی نهضتها این است که به محدوده‌ی وجود خودشان و حضور خودشان اکتفا نکنند، [بلکه] به خارج از محدوده هم نظر داشته باشند.... نگرش جهانی، نگرش منطقه‌ای، نگرش جامع، غفلت نکردن و مشغول نشدن و سرگرم نشدن فقط به مسائل داخل؛ این در انقلاب وجود داشت..... یکی از مظاهر عمده و مهمّش همین مسئله‌ی حضور رزمندگان ما

است در کشورهایی که در آنجاها دشمن نقشه کشیده بود، طرّاحی کرده بود؛ طرّاحی بسیار مهمّی هم انجام گرفته بود؛ در درجه‌ی اوّل در عراق، در سوریه و تا حدودی هم در لبنان؛ دشمن نقشه کشیده بود که نقشه‌ی مهمّی بود. این نقشه‌ی خیلی خطرناکی بود. هدف این نقشه هم تصرّف منطقه بود برای تصرّف ایران؛ یعنی ایران اسلامی در مجموعه‌ی منطقه باید در تصرّف آمریکا و دستگاه استکبار و استعمار قرار میگرفت؛ این نقشه را برای این چیده بودند. ... حرکت مدافعان حرم این را خنثی کرد. این جهان‌نگری انقلاب خیلی چیز مهمّی است. ۱۴۰۳/۳/۳۰»

توجه به بعد «جهان‌نگری» انقلاب اسلامی را می‌توان در ابعاد زیر از منظومه فکری و سیره عملی قائد شهید درک کرد:

« امت‌گرایی و تلاش برای بازآفرینی هویت امت اسلامی

« عمق‌بخشی به عقبه استراتژیک نظام اسلامی

« برقراری ارتباط فکری و معنوی با جوانان در کشورهای غربی (نامه به جوانان اروپا و آمریکای شمالی)

« صیانت از وحدت اسلامی و دچار خطای محاسباتی نشدن در برابر تلاش‌های تفرقه‌افکنان و جولان شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی (از جمله تشکیل گروهک دست‌ساخت داعش و تعرض به مقدسات اسلامی و شیعی نظیر قرآن سوزی و انفجار در حرم‌های مطهر)

۱۰- باور مؤمنانه و تردیدناپذیر به وعده‌های الهی

یکی از وجوه شخصیتی رهبر شهید اعتقاد ایمانی ایشان به وعده‌های الهی بود. باور به پیروزی حق بر باطل، باور به نصرت الهی، باور به «ان معی ربی»، باور به برتری مؤمنان بر کفار «انتم الاعلون» و ...

این باور، رهبر شهید انقلاب اسلامی را مجهز به عزمی راسخ در بیان مواضع و امیدواری به نتیجه‌بخش بودن تلاش‌ها می‌کرد و باعث برانگیخته شدن انگیزه‌های مردم و مسئولان برای حرکت در مسیر پیشروی و پیشروندگی انقلاب اسلامی می‌شد.

ایشان شرط «نصرت الهی» را نیت الهی معرفی کرده و تعریفی موسع و کاملاً عملیاتی از نیت الهی ارائه می‌دهند.

«اگر نیت شما نصرت خدا است، بلاشک خدای متعال به شما کمک خواهد کرد؛ گاهی طریقه‌ی کمک را خودمان می‌فهمیم، تشخیص می‌دهیم، گاهی هم نمی‌فهمیم، می‌بینیم کمک شدیم، می‌بینیم کار راه افتاد، کار پیش رفت؛ این کمک الهی است. نیتها را خدایی کنیم. نیت خدایی هم به این معنا نیست که هر وقت بخواهیم یک حرکتی انجام بدهیم، همان‌جا مثلاً فرض کنید بگوییم این کار را انجام می‌دهم برای رضای خدا؛ نه، همین که شما به مردم رحم میکنید، این نیت خدایی است؛ همین که شما به کشور می‌خواهید خدمت کنید، این یک نیت خدایی است؛ همین که شما می‌خواهید یک کار هنری خلق کنید که چهار نفر را هدایت کند، این نیت خدایی است. با نیت خدایی که وارد بشویم، خدای متعال هم کمک خواهد کرد. ۱۴۰۲/۶/۲۹»

۱۱- هدایت راهبردی ارکان و اجزای نظام اسلامی با تزریق «معنا» و «تفکر انقلابی» به آنها

رهبر شهید در طول دوران رهبری خود نسبت به تبیین وظایف و شاخص‌های «کارگزاران» و «کارگزاری» در هر یک از ارکان و اجزای نظام اهتمام ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. مجموعه بیانات و رهنمودها، توصیه‌ها و هشدارها و تذکارات ایشان و شاخص‌هایی که برای انجام وظیفه کارگزاری در هر یک از ارکان و اجزای نظام بیان کرده‌اند سرمایه گرانسنگی برای ترسیم موقعیت هر یک از مسئولان برای قرار گرفتن در جایگاه مسئولیت در تراز انقلاب اسلامی است.

در سایه این اقدام امروز برای آن که بدانیم قوای سه‌گانه، دستگاه‌ها و نهادهای مختلف و سایر نقش‌آفرینان در ارکان قدرت چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند و یا شاخص‌های متصدیان پست‌های مدیریتی در سطح خرد و کلان چیست هیچ کمبودی نداریم و هیچ خلأیی احساس نمی‌کنیم.

قائد شهید در بیانی هشدارگونه به مسئولان و کارگزاران نظام فرمودند: «اگر چنانچه همان وضعی را، همان کاری را، همان راهی را که مدیران دوران طاغوت انجام میدادند، ما هم بتدریج به همان سمت برویم، این جرم خیلی بزرگی است؛ این آیه این را می‌گوید. فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ؛ آنهایی که قبل از شما

بودند، نصیب و بهره‌ای برای خودشان فرض کردند، آن نصیب و بهره را بردند. فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ؛ شما هم برای خودتان یک نصیب و بهره‌ای فرض کردید، شما هم آن بهره را برداشتید. كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ؛ شما هم مثل آنها عمل کردید. وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا؛ همان راهی که آنها رفتند، شما هم رفتید. این [طور] اگر بشود، خیلی مایه‌ی نگرانی است؛ خسارت بی‌نظیری است چنین چیزی اگر پیش بیاید. البته خدای متعال، لطفش و فضلش و هدایتش نگذاشته تاکنون جمهوری اسلامی به یک چنین وضعی دچار بشود، اما باید بترسیم، باید مراقب باشیم. (۱۴۰۳/۱۲/۱۸)

امام شهید در توصیه‌های مختلف به کارگزاران نظام همواره بر عناصری همچون متدین و متشرع بودن و از بُن دندان «معتقد به جمهوری اسلامی و به نظام اسلامی بودن، پاک‌دستی و صداقت و امانتداری و نگرش ملی داشتن و کارآمد بودن و نگاه مثبت به افق‌های پیش رو و امید به آینده داشتن تأکید فرموده و در عین حال به رسیدگی کردن به مسائل معنوی خود در دوران مسئولیت (اهل ذکر و توشل و دعا بودن، تقید به نماز اول وقت، حتی المقدور نماز را به جماعت خواندن و تقید به خواندن نوافل، انس با قرآن و عمل عبادی، تضرع پیش خدا، سحرخیزی و حرف زدن با خدا و قصد قربت در انجام وظیفه...) فراخوانده‌اند.

ایشان در بعد مدیریتی نیز بر اموری همچون قانون‌مداری، برنامه‌محوری، رعایت اولویت‌ها، پیگیری، نظارت و پاسخگویی، نهراسیدن از موانع بر سر راه و عقب‌نشینی نکردن و ترک راه و برنامه کردن و تلاش برای آن که نتایج اقدامات و تصمیم‌ها اثر محسوس و ملموس در زندگی مردم داشته باشد و میدان دادن به جوان‌ها و استفاده از ظرفیت آنان در اداره کشور توصیه کرده‌اند.

۱۲- عینیت بخشی به «مردم سالاری دینی» در تمام عرصه‌های اداره کشور

ایده مردم سالاری دینی که خلق و ابداع آن را باید به ایشان نسبت داد به عنوان یک مفهوم جدید و پدیده‌ای نو در انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافته است. این مردم سالاری ترجمه دموکراسی نیست و دینی بودن آن هم آلیاژی و مصنوعی نیست بلکه یک مفهوم متحد با اجزای در هم تنیده است که حضور، نقش و

اراده مردم را تنها منحصر به انتخاب شدن و انتخاب کردن و نقش آفرینی در نهاد انتخابات نمی‌بیند.

مردم سالاری دینی توسط رهبر فقید توسعه‌ای معنایی پیدا کرد که باعث شد رهبر شهید آن را به همه عرصه‌های اداره جامعه بسط و گسترش دهند. آبخشور مردم سالاری دینی در مفهوم ولایت است که نشان از پیوند رهبر و «ولی» با «مردم» دارد و باعث می‌شود هر دو در صحنه جامعه حضور ملموس و تعیین کننده داشته باشند.

ایشان «جمهوری اسلامی» را برآمده از «مردم سالاری دینی» می‌دانست و معتقد بود که جمهوری اسلامی دو جزء ندارد بلکه یک مفهوم منفرد است و اجزای آن از یکدیگر جدایی ناپذیر هستند. ایشان «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام را در هم تنیده و هر یک را مقوم دیگری می‌دانست. هم معتقد بودند که اسلامیت نظام توجیه کننده ضرورت «مردمی» بودن آن است و هم «مردمی» بودن نظام را زمینه ساز «اسلامیت» نظام می‌دانستند. در سیره عملی ایشان مشاهده می‌شود به همان گونه که از «اسلامیت» نظام دفاع می‌کردند به همان اندازه مدافع «جمهوریت» نظام بودند. به راستی باید او را شاخص ترین مدافع حقیقت «جمهوری اسلامی» دانست.

۱۳- بصیرت مثال زدنی در تشخیص دشمن و دشمنی‌ها علیه انقلاب اسلامی

یکی از ویژگی‌های بارز امام شهید دشمن شناسی و دشمن ستیزی بود. او بر اساس درک درستی که از دشمن و ماهیت دشمنی‌ها داشت از دشمنی‌ها نمی‌هراسید و در برابر توطئه‌ها و فتنه‌ها و بحران‌ها تسلیم نمی‌شد و خود را نمی‌باخت تا جایی که دشمنان از او به عنوان یک ابر حریف یاد می‌کردند که می‌تواند نقشه‌های آنان را خنثی کند و تیغ دشمنی‌های آنان را کند سازد.

اما هنر بزرگ ایشان این بود که توانست این فکر و روحیه را در ملت ایران و بلکه ملت‌های منطقه و آزادی خواهان عالم تزریق کند و دشمن ستیزی را هم در جامعه ایرانی و هم در جبهه مقاومت و هم در هر جای دیگری که امکان داشت تبدیل به گفتمان عمومی سازد.

۱۴- مدافع و مروج و نماد «عقلانیت انقلابی»

ایشان به راستی نماد و نمود «عقلانیت انقلابی» بود. ایشان در عین پای بندی به عدالت و در عین اعتقاد به معنویت گرایی مانند برخی افراد و جریان ها گرفتار جزئی نگری به این موضوعات نشد و معتقد بودند که «معنویت»، «عدالت» و «عقلانیت» سه مفهوم مجزای از یکدیگر نیستند و برتری رتبی نسبت به یکدیگر ندارند بلکه سه جزء در هم تنیده هستند و هر سه در پیوند حقیقی با یکدیگر اضلاع یک مکتب را می سازند. بنابراین عقلانیت انقلابی ایشان ریشه در معنویت و عدالت داشت و عدالت محوری ایشان نافی معنویت گرایی و عقلانیت نبود.

ایشان با هشدار نسبت به این که عقلانیت با محافظه کاری اشتباه نباید بشود عقلانیت را عامل ایجاد تحول مطلوب معرفی کرده و معتقدند: «عقلانیت و محاسبه که میگوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه کاری، عقل گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه کاری فرق دارد. محافظه کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمیتابد و از تحول و دگرگونی میترسد؛ اما عقلانیت این طور نیست؛ محاسبه ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی میشود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود.... الان در نظام ما برخی از تحولات هست که مُنتجه ی یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه ی به وضع موجود و وضع دنیاست. من در زمینه ی مسائل گوناگون این را دارم مشاهده میکنم. حالت خواب رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد میگذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه ی ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، میفهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه ی مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه کاری فرق دارد. محاسبه ی عقلانی را با محاسبه ی محافظه کارانه به هیچ وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است.» (۱۳۸۴/۶/۸)

۱۵- هویت‌بخشی و اعتلابخشی به هویت ملی، اسلامی و انقلابی

یکی از نقاط برجسته کارنامه امام شهید کار بزرگ او در هویت‌سازی و هویت‌بخشی به جامعه ایرانی بود. او هویت جامعه ایرانی را در سه عنصر ملی، اسلامی و انقلابی در پیوندی ناگسستنی از یکدیگر تعریف می‌کرد و معتقد بود هریک مقوم و حافظ دیگری است. بنابراین هویت ملی را در تضاد و تنافر با هویت اسلامی نمی‌دانست و هویت انقلابی را جدا از هویت ملی و اسلامی تعریف نمی‌کرد. ایشان معتقد بودند که «پرچم علم را باید هر روز بیشتر بلند کرد در کشور، منتها در کنارش پرچم هویت ملی، هویت افتخارآمیز، هویت انقلابی، هویت اسلامی هم باید بلند بشود.» (۱۴۰۱/۲/۲۱)

نکته آخر

مواردی که گفته شد ادای دینی به ساحت شخصیت والای رهبر شهیدمان بود که چه هم با حیات پربرکتش و هم با خون پاکش و شهادت سرافرازانه‌اش حق بزرگی برگردن ملت ایران و امت اسلامی و بلکه آزادیخواهان جهان دارد. بدیهی است کار سترگ او در قالب کلمات نگنجد و لذا باید اعتراف کرد که:

**عطار وصف عشقت چون در عبارت آرد
زیرا که وصف عشقت اندر بیان نگنجد**



تک‌نگاشت

او هدیه الهی بود که خیلی زود توانست آتش فراق
خمینی کبیر را در دل‌ها به شعله‌هایی پر فروغ از امید و
انگیزه برای ادامه راهش تبدیل کند و آنها را به سمت
قله‌های عزت و عظمت به حرکت و تکاپو وادارد.

مركز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

